



پژوهه تاریخی (۲۳)

# کارنامه پهلوی بدون روتوش

عنوان و نام پدیدآور : کارنامه پهلوی بدون روتوش / نویسنده اندیشکده برهان.  
مشخصات نشر : تهران: دیدمان، ۱۳۹۷.  
مشخصات ظاهری : ۸۵ ص:؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.  
فروست : پژوه تاریخ؛ ۲۳.  
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۱۱-۱۱-۳  
وضعیت فهرست نویسی : فیبا  
یادداشت : کتابنامه.  
موضوع : ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷  
موضوع : Iran -- History -- Pahlavi, ۱۹۲۵ - ۱۹۷۸  
شناسه افزوده : اندیشکده برهان  
رده بندی کنگره : DSR۱۴۷۶/ک۱۷ ۱۳۹۷  
رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۲  
شماره کتاب شناسی ملی : ۵۳۸۵۱۵۹

اندیشکده  
برهان



قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ  
www.BORHAN.ir

انتشارات دیدمان

عنوان: کارنامه پهلوی بدون روتوش  
نویسنده: اندیشکده برهان  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۱۱-۱۱-۳  
نشر: دیدمان  
تاریخ انتشار: ۱۳۹۷  
نوبت چاپ: اول  
شمارگان: ۱۰۰۰  
قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

www.DidemanBook.ir  
www.BORHAN.ir  
info@borhan.ir

تهران، چهارراه شهید لوسانی، خیابان بوستان،  
کوچه نسترن، پلاک ۳۲، واحد ۴

تلفن: ۰۲۱-۲۶۱۵۳۲۹۱  
پیامک: ۱۰۰۰۰۲۸۷

کلیه حقوق این اثر متعلق به «اندیشکده برهان» است و هرگونه نقل مطالب از آن صرفاً با ذکر منبع مجاز است.

# فهرست

پیشگفتار.....	۶
مقدمه.....	۸

## فصل اول

توسعه در مدار وابستگی.....	۲۱
توسعه در دوره پهلوی اول.....	۲۳
توسعه ناموزون در دوره پهلوی دوم.....	۲۵
غرب و توسعه پهلوی.....	۳۴

## فصل دوم

نابودی کشاورزی ایرانی.....	۳۹
اصلاحات ارضی.....	۴۰
نابودی دامداری در «تخت قاپوکردن عشایر».....	۵۴

## فصل سوم

کارنامه فرهنگی.....	۶۳
دربار و حکومت فاسد، بیگانه با مشکلات مردم.....	۶۶
شاه و دانشگاه.....	۷۰
ناسیونالیسم سلطنتی و تقویم شاهنشاهی.....	۷۵
کتابنامه.....	۸۰

## رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (قدس سره)

این مملکت در این پنجاه و چند سال رو به تباهی رفته است. با اسم «تمدن بزرگ» این مملکت را تقریباً خراب کردند لکن هر قشر ما آنی که عیناً می‌داند، آنکه لمس کرده است، در آن محلی است که خودش کار دارد. ... اصلاً برنامه، برنامه‌ای بوده است که خرابی بکنند. کشاورزی را به اسم «اصلاحات ارضی» به کلی از بین ببرند؛ و بازار درست کنند برای امریکا که گندم‌هایش زیاد است، باید بریزد دریا یا بسوزاند، بهتر این است که ایران یا سایر کشورهای که تحت نفوذ اوست، کشاورزی‌اش به هم بخورد تا محتاج بشوند به گندم و به همه حبوبات. چنانکه ما الآن محتاج هستیم؛ همه چیزمان از خارج باید بیاید. دامداری را از بین ببرند تا اینکه در گوشت محتاج بشوند از خارج بیاید. و همین‌طور هر چیزی را. این‌ها در این پنجاه سال، با اسم‌های بسیار فریبنده و اغفال‌کننده، این مملکت را خراب کردند و از بین رفت. ... الآن ما همه‌مان مبتلا به این هستیم که یک مملکتی که این‌ها آشفته کردند و خراب کردند و همه چیز ما را از بین بردند ... و بدتر از همه نیروی انسانی را از بین بردند. این از همه خیانت‌ها برای این مملکت بالاتر است که این‌ها نیروی انسانی را تباه کردند به وجه‌های مختلف: به درست کردن مراکز فحشا - من که اطلاعی ندارم، ولیکن حالا می‌شنوم بین تهران تا کرج و شمیران و امثال‌ذلک چقدر مرکز فحشا درست کرده بودند، دنبالش هم تشویق می‌کردند - سینماهایی که باید آموزنده باشد به چه صورت درآوردند و تشویق کردند همه را بر این. مراکز مخدرات، از قبیل تریاک و هروئین و این‌طور چیزها، چقدر درست کردند و چقدر وارد کردند. خودشان هم عامل آوردنش بودند، از قراری که می‌گفتند. و چقدر تشویق کردند. یک مملکت را نیروی انسانی‌اش را تباه کردند و رفتند. انسان می‌تواند که اقتصادش را با یک‌دو سال، چهار سال، درست بکند؛ اما انسانی که فاسد کردند و یک طبقه که حالا چهل ساله هستند، سی ساله هستند، این‌ها فاسد شدند، این یک‌عمر می‌خواهد این طبقه را دوباره آدم برگرداند به حالی که باید رشد بکند. این از همه ضربه‌هایی که به ما وارد شده است بدتر است. و مهم هم برای آن‌ها همین بوده است. آن‌هایی که می‌خواستند ما را از بین ببرند و هر چه داریم ببرند و هیچ‌کس هم حرف نزند. آن‌ها دنبال این بودند که تمام نیروهای انسانی را تباه بکنند؛ حالا یا به دست تبلیغاتی که کردند دامنه‌دار؛ یا با فشارها و امثال‌ذلک نیرو را از دست ما بگیرند.

## رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

ملت ایران حالاً حالاً باید منتظر باشد که دشمنان به کارها و فتنه‌ها و خباثت‌های خودشان برای اینکه زیبایی‌های انقلاب از یاد برود ادامه بدهند. دشمن دست بر نمی‌دارد؛ تا انقلاب را یا تحریف کنند یا به دست فراموشی بسپارند و کاری کنند که ملت حرکت خود، سابقه خود و کار بزرگی را که کرده است فراموش کند، دچار نسیان و غفلت بشود؛ کسی که گذشته افتخارآمیز خود را نمی‌داند، نمی‌تواند در آینده هم حوادث افتخارآمیز برای خودش درست کند، این تلاش را دشمنان دارند می‌کنند... آن‌ها می‌خواهند حقایق انقلاب تحریف بشود، به دست فراموشی سپرده بشود؛ پول خرج می‌کنند، کار دارند می‌کنند. کسی که آشنا باشد، آگاه باشد با دنیای کتاب و مطبوعات و مقاله، می‌بیند که دشمنان چه کار دارند می‌کنند؛ امروز این‌ها سعی می‌کنند چهره خاندان خبیث و منحوس پهلوی را - رژیم فاسد و وابسته و خبیث و ظالم که کشور ما را سال‌های متمادی به عقب انداختند و ملت ایران را آن‌جور دچار مشکلات عظیم کردند - بزک کنند، آرایش کنند... امروز انگیزه‌ها وجود دارد برای تحریف، یعنی سعی می‌کنند چهره خبیث‌ترین و زشت‌ترین و سیاه‌ترین عناصر حُکام تاریخی اواخر این ملت را به شکلی آرایش کنند که حقیقت برای مردم مکشوف نشود و نفهمند با این انقلاب چه کردند. یکی از خصوصیات آن رژیم فاسد، دیکتاتوری سیاه و خفقان عجیب علیه مردم، با قساوت‌آمیزترین روش‌ها [بود] که ممکن است در جاهای دیگری از کشورها هم وجود داشته باشد... در کشور ما، آن رژیم خبیث، یکی از خصوصیاتش این بود: شدت عمل، قساوت کامل نسبت به هرکسی که اندک اعتراضی به آن‌ها داشت و مطلع می‌شدند... خصوصیت دوم، وابستگی ذلت‌آمیزی بود که این‌ها به قدرت‌های خارجی داشتند... خصوصیت سوم این رژیم خبیث، فساد بود. انواع فساد، از فسادهای جنسی بگیرد که مبتلابه تقریباً همه درباری‌ها و دوروبری‌ها و مانند این‌ها بود که دیگر حالا داستان‌های شرم‌آور است. آن روز خیلی از آحاد مردم هم می‌دانستند، اگرچه جرأت نمی‌کردند بر زبان بیاورند... بی‌اعتنائی به مردم؛ از جمله خصوصیات مهم رژیم طاغوت بی‌اعتنائی به مردم بود؛ مردم به هیچ‌قیمت به حساب نمی‌آمدند... بی‌اعتنائی به پیشرفت علمی، ترویج خودکم‌بینی ملی و بزرگنمایی غربی؛ حالا کار علمی که پیشرفت نمی‌کرد، حرکت علمی به معنای واقعی کلمه که اصلاً وجود نداشت، در رسانه‌ها ذائقه مردم را به واردات عادت دادند که این عادت متأسفانه تا امروز باقی است. عادات طولانی مدتی که برای مردم به وجود می‌آید، به آسانی از بین نمی‌رود. این‌ها به جای کشاندن کشور به سمت احیای تولیدات داخلی و منابع حقیقی یک ملت، مردم را با پول نفت عادت دادند به واردات؛ ذائقه مردم را عوض کردند؛ کشاورزی کشور را نابود کردند، صنایع واقعی و ملی کشور را از بین بردند، کاملاً کشور را وابسته کردند به خارج و به دشمنان این ملت. ملت را تحقیر کردند، توانایی‌های ملت را دست‌کم گرفتند، به زبان آوردند، فرهنگ غربی را بزرگنمایی کردند؛ یک رژیم هفت‌جوش خبیث جامع همه بدی‌ها.

## پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا

ای مردم! همانا برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است و ما نوری روشنگر (قرآن) به سوی شما فرفرستادیم (نساء: ۱۷۴).

سپاس خداوندی را که بشر را به برهان حقانیت وجود ذی جود آخرین فرستاده‌اش و نور روشنی بخش کلام‌الله مجید هدایت کرد و ملت شریف ایران را با هدیه‌ی آسمانی انقلاب اسلامی و حیات در ذیل نعمت ولایت در مسیر رشد و تعالی قرار داد.

انقلاب اسلامی نعمت بی‌بدیلی بود که رهین ملت ایران شد تا مسیر تمدن‌سازی اسلامی و الگو شدن برای جهان بشریت را بپیماید و البته در این طریق، راه ناپیموده هنوز زیاد است و نیازمند گام‌هایی استوار و خردورزانه هستیم. اندیشکده‌ی برهان که متشکل از جمعی از فرزندان انقلاب اسلامی است، کانونی است فعال در زمینه‌ی تبیین گفتمان تمدن‌ساز انقلاب اسلامی. تلاش این مؤسسه‌ی اندیشه‌محور بر این است که با تکیه بر سرمایه و استعداد معرفتی-علمی نیروهای فرهیخته‌ی جریان انقلابی و ارزشی، به تبیین گفتمان انقلاب کمک کند و در مسیر تربیت نیروهای فکری تراز انقلاب اسلامی و یا به تعبیری، «مؤمن اندیشه‌ورز جهادی» بکوشد.

مؤسسه برهان مسیر مطلوب خود را حرکت در چارچوب الگوی امام-امت می‌داند

و بر این اساس، مبنای گفتمان‌سازی جهادگران فکری این اندیشکده بر پایه‌ی تبیین بیانات و دغدغه‌ها و مطالبات سیاسی-فرهنگی حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و تولید پژوهش‌های معرفتی و راهبردی معطوف به این مهم است. اندیشکده‌ی برهان بر آن است که در مسیر یک جهاد فکری و اعتقادی منسجم و متقن با پاسخگویی مستدل و منطقی به پرسش‌ها و مسئله‌های کنونی جامعه، گره‌گشایی از معضلات فکری و نظری و شبهه زدایی و تولید تحلیل و تأملات سالم و پالوده از کج‌اندیشی و انحراف، گام بردارد.

پژوهه تاریخی حاضر به قلم جمعی از پژوهشگران اندیشکده برهان است که به واقعیت‌های تاریخی رژیم پهلوی و ایادی آن می‌پردازد. لازم است از زحمات آقایان محمد رادمرد، محمد پورمحمد، محمد چافی، سید مرتضی حسینی، محمد شیخانی، وحید بهرامی و خانمها ملیحه خوشبین و هستی موسوی که در نگارش این اثر مشارکت داشته‌اند، کمال سپاسگزاری به عمل آید.

امید است این اثر، گامی کوچک اما مؤثر در شناخت و تعمیق گفتمان تمدن‌ساز انقلاب اسلامی و بازخوانی اندیشه‌های ناب اسلامی و مورد رضایت پرچمدار هدایت بشر، حضرت ولیعصر (عج) قرار گیرد.

محمد جواد اخوان

مدیر اندیشکده برهان

## مقدمه

این جملات یا عباراتی مشابه آن را قطعاً بارها و بارها شنیده‌ایم: «ملتی که تاریخ خود را فراموش کند، مجبور است آن را تکرار کند.» «ملتی که تاریخ خود را فراموش کند، به قهقرا می‌رود.» این عبارات بیانگر آن است که ممکن است انسان‌ها در سیر حوادث و رویدادها و به‌دلیل سختی‌هایی که امروزه از جنبه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی متحمل می‌شوند، سختی‌ها و مشقت‌هایی که دیروز با آن دست‌وپنجه نرم می‌کردند و به‌مراتب بدتر از وضعیت امروز بود را به فراموشی بسپارند و خواهان بازگشت به گذشته شوند. بنابراین در صورت وجود برخی شرایط عینی که دربردارنده طیفی از دشواری‌ها و مشقت‌هاست، دشمنان یک ملت تلاش می‌کنند تا باورهای ذهنی لازم برای القای آنچه در بالا بیان شد را فراهم آورند و بدین ترتیب پشتوانه‌های مخالفت و اعتراض را در جامعه ظاهر کنند و گسترش دهند. امری که امروزه دربارهٔ ایران، توسط برخی رسانه‌های بیگانه، به‌شدت مورد تأکید و پیگیری قرار می‌گیرد.

برای روشن‌تر شدن آنچه گفته شد، می‌توان وضعیت کنونی جامعهٔ ایران را تبیین کرد. همان‌طور که می‌دانیم، شرایط اقتصادی امروز جامعهٔ ایران حاکی از وضعیت مناسبی نیست و کشور در شرایط رکود اقتصادی به سر می‌برد. با وجود این شرایط عینی، دشمنان جمهوری اسلامی تلاش می‌کنند تا با بروز احساسات کاذب نوستالژیک، این باور را در جامعهٔ ایران پروراند که مردم قدرشناس، با شورش علیه یک وضعیت نسبتاً خوب، خود را به دست کسانی سپرده‌اند که هرگز نمی‌توانند شرایط مناسب و



ایدئالی را برای زندگی مردم فراهم سازند. این باور در حال حاضر به طور گسترده توسط رسانه‌های بیگانه و به طور خاص رسانه‌های فارسی‌زبان القا می‌شود. فرایند ساخت این باور از یک مکانیسم خطی سود می‌جوید که با یکدیگر آن را مرور می‌کنیم.

۱. در عمده رسانه‌های فارسی‌زبان غربی، شاه به عنوان فردی نوساز تبلور می‌یابد که در حال مدرن کردن جامعه ایران بوده است. فردی دلسوز که همچون پدرش همه هم‌وغم خود را صرف تجدد ایران کرده بود. البته در این رسانه‌ها گفته نمی‌شود که جنس این تجدد، «آمرانه» بوده و در آن فقط به جنبه‌های فنی و اقتصادی نوسازی توجه می‌شده است. آن هم تجددی که بدون مشارکت مردم دنبال می‌شد. بنابراین شاه پدری دلسوز نمایانده می‌شود که همه هم‌وغمش فردای ایران بوده است.

۲. شورش‌ها علیه حکومت پهلوی، اعتراضاتی ضد مدرن لقب می‌گیرد. به عبارتی دیگر، چنان نشان داده می‌شود که جریانی ضد مدرن به رهبری روحانیون و گروه‌های سنتی دیگر به دنبال آن بودند تا شاه را براندازند. دلیل این امر نیز آن بود که شاه برای احیای منافع همه مردم، منافع آن‌ها را نشانه گرفته بود. بنابراین و براساس این تحلیل، دلیل اعتراضات مردم، فساد بسیار گسترده طبقه حاکم یا استبداد لجام‌گسیخته شاه نبود و یا اگر بود، درجه چندم اهمیت را دارا بود. بدین ترتیب همچنان که شاه فردی نوساز لقب می‌گیرد، انقلابیون مذهبی جریانی ضد مدرن و دگم و عقب‌مانده توصیف می‌شوند.

۳. با تحقیر و تحریف انقلابیون، به طبع خود انقلاب نیز زیر سؤال می‌رود. رسانه‌های فارسی‌زبان با تحریف تاریخ معاصر، آن‌چنان وانمود می‌کنند که انقلاب اسلامی محصول اعتراضات سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ است و این نکته به فراموشی سپرده می‌شود که فرایند انقلاب اسلامی از اوایل دهه ۱۳۴۰ آغاز شده است. همچنین این تصویر القا می‌شود که باقی مردم نقش سیاهی لشکر انقلاب را داشتند. گروهی فریب‌خورده که قدر نوسازی شاه را نمی‌دانند و در اثر نوسازی این دوره، از فقر و بدبختی رها شده‌اند و حال در مقابل شاه عصیان می‌کنند. در حالی که انقلاب اسلامی در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ ناشی از تجمعی از مشکلات اقتصادی، اجتماعی و

سیاسی مردم بود که حتی فرصت بیان و آشکار شدن آن‌ها نیز داده نشده بود، چه رسد به اینکه حکومت دغدغه رفع این مشکلات و حل آن‌ها را داشته باشد. به عبارتی دیگر، روحانیون و جریان نخبه در نقش سخن‌گویان مردم ایفای نقش می‌کردند.

۴. با تحریف انقلاب اسلامی، همه برساخته‌های حاصل از آن نیز زیر سؤال می‌رود. شبکه‌های فارسی‌زبان خارج‌نشین انقلاب اسلامی را انقلابی ضدمدرن جلوه می‌دهند و بدین ترتیب نظام سیاسی حاصل از آن را نیز نظامی ضدمدرن معرفی می‌کنند. نظامی که حاملان و رهبران آن نه تنها با دنیای مدرن بیگانه‌اند و درکی از آن ندارند، بلکه از آن فراری نیز هستند. آن‌ها با چشم‌پوشی در مقابل حجم بسیار بالای دستاوردهایی که در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی در دوران پس از انقلاب اسلامی مهیا شده است، تلاش می‌کنند تا یک غیریت‌سازی را در ذهن بیگانه رقم بزنند. عصر پهلوی، دوران پر از شکوه و جلال بود که ایران را به دروازه‌های تمدن نزدیک کرده بود و در مقابل آن، دورانی کنونی قرار دارد که تلاش می‌شود سیاه و تاریک ترسیم گردد.

همان‌طور که گفته شد، این فضای روانی القاشده، آن زمان اثربخش‌تر می‌شود که تهیه‌کنندگان برنامه‌های مستند در زمینه پهلوی، آن را در دوره رکود اقتصادی کنونی روایت کنند. تمام آنچه گفته شد، برای القای این سؤال در ذهن بینندگان و به‌خصوص نسل جوان است که چرا در ایران انقلاب شد؟ آیا نسل گذشته در ناز و نعمت انقلاب کرد؟ اگر تاریخ پهلوی را به فراموشی سپرده باشیم، این سؤال‌ها نمی‌تواند جواب‌های درخور و مناسبی دریافت کند. بنابراین حقیقت در پرده‌ای از سوءتفاهم‌ها و القانات باطل پنهان می‌شود. از همین‌روست که رهبر انقلاب اسلامی مؤکداً نخبگان را نسبت به تلاش‌های صورت‌گرفته در زمینه تحریف انقلاب اسلامی هشدار می‌دهند:

«آن‌ها می‌خواهند حقایق انقلاب تحریف بشود، به دست فراموشی سپرده بشود. پول خرج می‌کنند، کار دارند می‌کنند. کسی که آشنا باشد، آگاه باشد با دنیای کتاب و مطبوعات و مقاله، می‌بیند که دشمنان چه کار دارند می‌کنند. امروز این‌ها سعی می‌کنند چهره‌خاندان خبیث و منحوس پهلوی را (رژیم فاسد و وابسته و خبیث و

ظالم که کشور ما را سال‌های متمادی به عقب انداختند و ملت ایران را آن‌جور دچار مشکلات عظیم کردند) بزک کنند، آرایش کنند، امروز سعی می‌شود [توسط] همان جبههٔ مقابل نظام اسلامی. پشتیبان‌ها همان کسانی هستند که با اصل انقلاب مخالف بودند، با مردمی که انقلاب کردند مخالف بودند، با وفاداری این مردم به انقلاب به‌شدت مخالف‌اند. تاکنون موفق نشدند، امید بسته بودند، بلکه بتوانند نسل دوم و سوم انقلاب را روی گردان کنند. نتوانستند.»

از منظر تحلیل‌های سازه‌انگاران،<sup>۱</sup> انواع رسانه‌ها (اعم از رسانه‌های مکتوب و رسانه‌های دیجیتال) اثر بی‌بدیلی در شکل‌گیری باورها، هنجارها و در نهایت هویت افراد جامعه دارند و قادرند با تأثیرگذاری بر تصورات و ادراکات جامعه، واقعیت‌های محیطی را بسازند. در این میان، تلویزیون با شلیک‌های سریع رسانه‌ای خود، این امکان را فراهم می‌کند تا حباب عظیمی برای پوشاندن ذهن انسان‌ها نسبت به موضوعات مختلف، فراهم شود. در این راستا، برخی از رسانه‌های فارسی‌زبان، از جمله شبکهٔ «من‌وتو»، با توسل به همین نقش و تأثیر رسانه‌ها در برساختن واقعیت‌های اجتماعی، پروژهٔ بزرگ‌نمایی برنامهٔ نوسازی پهلوی دوم را در دستورکار خود قرار داده‌اند<sup>۲</sup> و سعی نموده‌اند با استفاده از تاکتیک بمباران تصویری، ابعاد و زوایای روشن و دقیق قیام اسلامی مردم ایران را به حاشیه برانند و به‌نوعی با دامن زدن به «تئوری توطئه»،<sup>۳</sup> افکار عمومی را از علل واقعی و ریشه‌ای وقوع انقلاب اسلامی و سقوط سلطنت پهلوی دوم غافل نگه دارند.<sup>۴</sup> در ادامه تلاش خواهیم کرد تا ضمن تشریح تصویرسازی‌های غلط این رسانه‌ها، از واقعیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعهٔ ایران، مقارن با

---

### 1. Constructivist

۲. در راستای این سیاست، می‌توان به مستندهای «انقلاب ۵۷»، «رضاشاه»، «شاپور بختیار» و «از تهران تا قاهره» اشاره کرد.

### 3. conspiracy theory

۴. طرفداران این تئوری در ایران معتقدند که عرصهٔ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران از سوی بازیگران خارجی کنترل و هدایت می‌شود. شخص محمد رضا پهلوی و اعضای خاندان سلطنتی در تبیین علل وقوع انقلاب اسلامی، بر این تئوری تأکید داشتند و سیاست‌های نزدیک‌ترین متحد خود یعنی آمریکا را عامل اصلی فروپاشی سلطنت پهلوی قلمداد می‌کردند.

شعله‌ور شدن آتش برنامه‌های نوسازی پهلوی دوم، تصور روشن و صریحی ارائه کنیم.

## ۱. رسانه‌های فارسی‌زبان و نوسازی برساخته پهلوی دوم

نوسازی یا مدرنیزاسیون، شاهبیت ادبیات سیاسی حکمرانان ایران از دوران قاجاریه تا سلطنت پهلوی را تشکیل می‌داد. در فضای حاصل از توسعه شتابان اقتصادی و اجتماعی کشورهای اروپایی در دوران بعد از جنگ جهانی دوم، سیاست نوسازی و اصلاحات اجتماعی و اقتصادی به‌عنوان یک نیاز ضروری جهت کنشگری مؤثر در تحولات جهانی و منطقه‌ای، در دستورکار محمدرضا پهلوی قرار گرفت؛ به‌گونه‌ای که «یوتوپیا»<sup>۱</sup> نوسازی خواب را از چشمان شاه ایران ربوده بود.<sup>۲</sup> اما در این میان، با توجه به نقش رسانه‌ها در برساختن واقعیت‌های اجتماعی، مدتی است که برخی رسانه‌های معاند انقلاب سعی داشته‌اند با تولید برنامه‌هایی به‌ویژه در قالب مستند و به‌سبک روایت و داستان،<sup>۳</sup> در سه محور کلی زیر، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران را بازنمایی نمایند و واقعیت‌های انقلاب اسلامی را تحریف کنند.

### ۱-۱. بازنمایی شاه مقتدر، مهجور و دلسوز ملت

اولین تصویری که با مشاهده تبلیغات رسانه‌های فارسی‌زبان درخصوص کیش شخصیتی و سبک حکومت‌داری محمدرضا پهلوی در ذهن مخاطبان نقش می‌بندد، تصویر شاهی مذهبی، متین، آرام، جدی، مستقل و درعین‌حال دلسوز ملت خود است؛ شاهی که تلاش داشت ایران را به‌سمت دروازه‌های تمدن پیش ببرد. به‌عنوان مثال در مستند «انقلاب ۵۷» با نمایش لبخندها و اشک‌های شاه، این‌طور القا می‌شود که شاه از شادی مردم، خوشحال و از رنج مردم، غمگین می‌شود. البته در کنار این تصویر مهربان و منعطف، اقتدار شاه ایران در مواجهه با دشمنان ملت ایران و بیگانگان

1. Utopia

۲. محمدرحیم عیوضی، طبقه متوسط جدید و نوسازی اقتصادی اجتماعی در ایران، مجله مطالعات راهبردی، پاییز ۱۳۷۷، ش ۱، ص ۱۵۶.

۳. در روان‌شناسی تبلیغات، سبک داستانی و روایتگری به‌دلیل اشتیاق فطری انسان به شنیدن داستان، به‌عنوان یکی از شیوه‌های تأثیرگذار ارتباطی و تبلیغاتی مطرح می‌شود.

نیز به تصویر کشیده می‌شود؛ به نحوی که حاضر نیست سر منافع ملی با احدی معامله کند.<sup>۱</sup>

### ۱-۲. مهر تأیید بر توهم توطئه خاندان سلطنتی

تبیین عوامل مؤثر در سقوط قدرت برتر و ژاندارم منطقه خاورمیانه و جزیره ثبات ایران در سال ۱۳۵۷، محور اصلی تبلیغات رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی را تشکیل می‌دهد. در اینجا ما شاهد سازواری تحلیل خاندان سلطنتی و شخص محمدرضا پهلوی با استدلال‌های این رسانه‌ها هستیم. شاه اعتقاد داشت که نارضایتی غرب و آمریکا از نقش شجاعانه و مستقلانه شاه در افزایش قیمت جهانی نفت در دهه پنجاه، قدرت‌های خارجی را به این نتیجه رساند که «شاه باید برود».<sup>۲</sup> مصاحبه‌های متعدد شاه در تبلیغات متعدد این رسانه‌ها نشان می‌دهد که از منظر محمدرضا پهلوی، غرب حاضر به تقسیم عادلانه منافع نفتی نبوده<sup>۳</sup> و اصرار شاه بر افزایش قیمت نفت، سبب قربانی شدن ایران شده است<sup>۴</sup> و طبق اظهارات مقامات نفتی آمریکا، با رفتن شاه غائله نفتی هم پایان یافته است.<sup>۵</sup> محمدرضا شاه حتی تبلیغات برخی رسانه‌ها نظیر بی‌بی‌سی در مورد نقض حقوق بشر در حکومت پهلوی را یک اقدام تاکتیکی در راستای راهبرد کلان براندازی حکومت ارزیابی می‌نمود.<sup>۶</sup>

### ۱-۳. خیز استراتژیک ایران به سمت دروازه‌های تمدن

شاه‌بیت سخنان شاه در تمامی مصاحبه‌ها و نطق‌هایش، ساختن چیزی بود که خود وی

---

۱. نقد سلیمی نمین بر مستند «انقلاب ۵۷»، سایت خبری تحلیلی تابناک، ۱۰ بهمن ۱۳۹۳، مندرج در: <http://www.tabnak.ir/fa/news/471126/%D%86%9D%82%9>

۲. محمدرضا علم و دیگران، علل وقوع انقلاب اسلامی از دیدگاه خانواده سلطنتی پهلوی، مجله پژوهش‌های علوم انسانی، خرداد ۱۳۹۲، سال چهارم، ش ۱۷، ص ۱۲۴-۱۲۵.

۳. محمدرضا پهلوی، پاسخ به تاریخ، به کوشش شه‌ریار ماکان، چ ۷، تهران، نشر البرز، ۱۳۸۵، ص ۴۷۵.

۴. همان، ص ۳۲۸.

۵. همان، ص ۷۶.

۶. همان، ص ۳۲۷.

آن را تمدن بزرگ می‌نامید؛<sup>۱</sup> رؤیایی که خواب را از چشمان شاه ربوده بود. شاه دلسوزی که قصد سعادت‌مندی مردم خود را داشت. این تصویری است که توسط رسانه‌های فارسی‌زبان، بدون توجه به ابعاد و زوایای پیدا و نهان پروژه مدرنیزاسیون پهلوی دوم، به دنیا مخابره می‌شود. پخش تصاویر پرزرق و برق کلان‌شهرها، اقدامات عمرانی در نقاط مختلف ایران، افتتاح و فعالیت کارخانه‌های صنعتی و تأسیس دانشگاه‌ها، مراکز فرهنگی و... مؤلفه‌های تبلیغاتی این رسانه‌هاست. از نظر آن‌ها، تنها تقصیر شاه این بود که به مردمش بیش از حد خوبی می‌کرد. ایده‌ها و اندیشه‌های وی آن قدر بزرگ بود که مردم قادر به درک آن‌ها نبودند.<sup>۲</sup> البته خود محمدرضا شاه نیز اعتقاد داشت که جامعه ایران توانایی درک و هضم برنامه‌های نوسازی وی را ندارد و جامعه سنتی ایران نتوانست خود را با این شتاب توسعه هم‌نوا کند.<sup>۳</sup> از این رو در این تصویر، مبارزان انقلابی نیز عده‌ای افراد سنتی و واپس‌گرا بودند که تحمل هیچ تحولی را نداشتند. البته لازم به ذکر است که در این روایت، غرب نیز رضایت چندانی از تبدیل شدن ایران به یک کشور توسعه‌یافته و صنعتی نداشت. لذا مجدداً توهم توطئه در این تصویر تقویت می‌شود.

## ۲. واقعیت پروژه نوسازی پهلوی دوم

همان‌طور که اشاره شد، نوسازی جامعه در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و... دغدغه اصلی محمدرضا پهلوی در دو دهه پایانی سلطنتش بود. برنامه نوسازی شاه از لحاظ بنیان‌های نظری، کاملاً با تقلید از الگوهای توسعه غربی صورت گرفت و شاه گمان می‌کرد که الگوی غربی در ایران نیز تکرار خواهد شد. از نگاه شاه، موضوعاتی نظیر شهرنشینی، صنعتی شدن، مصرف‌گرایی، تقویت سکولاریسم، ناسیونالیسم، فردگرایی، جدایی دین از دولت و... معرف یک جامعه توسعه‌یافته بودند. در این میان، تحول ساخت فرهنگی جامعه، به نحوی که بتواند به خلق انسان مدرن

۱. جان دی استمپل، درون انقلاب ایران، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۸، ص ۱۹.

۲. یرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷، ص ۵۱۵.

۳. محمدرضا پهلوی، پیشین، ص ۴۷۵.

بینجامد، در اولویت قرار داشت. از این رو در کنار تحولات اقتصادی، ایجاد نخبگان و طبقات فرهنگی جدید از طریق گسترش آموزش به سبک غربی، در دستورکار کارگزاران نوسازی شاه قرار گرفت.<sup>۱</sup> فارغ از تصویری که در برخی از رسانه‌های فارسی‌زبان در خصوص سیاست نوسازی شاه ارائه می‌شود، بر مبنای یک تحلیل واقع‌بینانه، سیاست نوسازی شاه کاملاً با واقعیت محیطی و ملزومات توسعه در ایران مغایرت داشت و بر اساس مؤلفه‌ها و مبانی خیالی و موهوم پی‌ریزی شده بود.

## ۲-۱. نوسازی در قامت یک شاه مستبد

به گواه تاریخ، محمدرضا پهلوی دارای شخصیتی به شدت خودکامه و اقتدارطلب بود، به‌ویژه اینکه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پای در جای پدر نهاد. در چنین نظامی، تمرکز قدرت و محوریت پادشاه، رکن رکن نظام سیاسی به حساب می‌آمد<sup>۲</sup> و از این رو هرگونه سیاستی همواره متکی به شخص شاه و روابط غیررسمی بود. نظر شاه در خصوص دموکراسی نیز مکمل سنخ فکر رضاخان بود.<sup>۳</sup> از دیگر ویژگی‌های شخصیتی شاه، طبق اظهارات حسین فردوست، می‌توان به سنگدلی و بی‌رحمی وی اشاره نمود. «در شش ساله دبستان نظام، محمدرضا به خیلی از شاگردان ظلم می‌کرد. هر روز نوبت یک نفر بود که آزار ببیند.»<sup>۴</sup> کناره‌گیری از مردم و بی‌خبری از خواسته‌ها و دردهای انفجارآمیز مردم نیز طبق اظهارات آنتونی پارسونز، آخرین سفیر انگلیس در ایران، «حصاری باشکوه بین شاه و مردم کشیده بود.»<sup>۵</sup> محمدرضا شاه خود را فراتر از هر قانونی می‌دانست و بین نهاد سلطنت و مردم تفاوت زیادی قائل می‌شد.<sup>۶</sup> در مورد وابستگی و دست‌نشاندهی شاه نیز به همین جمله اکتفا می‌کنیم: «کسی که

۱. یحیی فوزی، رهبران مذهبی و مدرنیزاسیون در ایران در دوره پهلوی دوم، مجله پژوهشنامه متین، زمستان ۱۳۷۹، ش ۹، ص ۱۶۰.

۲. احمد آذین، تمرکزگرایی و توسعه سیاسی، دانشگاه آزاد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، سال ۷۴-۷۳.

۳. محمدرضا پهلوی، مأموریت برای وطنم، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا، ص ۲۰۴.

۴. حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۶۹، ص ۲۲ و ۲۷.

۵. آنتونی پارسونز، غرور و سقوط، ترجمه پاشا شریفی، تهران، راه نو، ۱۳۶۳، ص ۴۶.

۶. یحیی فوزی، پیشین، ص ۱۵۸.

دیده بود پدرش توسط قدرت‌های خارجی از کار برکنار شده است و خودش به صورت عروسکی توسط همان قدرت‌ها منصوب شده است.<sup>۱</sup> این ویژگی‌های شاه در قاب رسانه‌های فارسی‌زبان کمتر پرداخته می‌شود.

## ۲-۲. نوسازی به مثابه یک برنامه سنت‌ستیز و ضد‌مذهب

در ادبیات سیاسی محمدرضا پهلوی، نوسازی در مقابل سنت‌گرایی تعریف و تحدید شده بود، اما سنت‌ستیزی شاه در پوسته سیاست نوسازی، همانند شمشیر دولبه، سبب تشدید مخاصمات اجتماعی و به تأخیر افتادن توسعه سیاسی در ایران شد. در این فرایند، مغایرت و عدم سازگاری سیاست نوسازی با محیط ارزشی جامعه، سبب تولد نوزاد «ناقص‌الخلق نوسازی» شد و در نهایت با تضعیف مشروعیت و مقبولیت مردمی، مقدمات فروپاشی سیاسی رژیم را فراهم نمود.<sup>۲</sup> نابهنجاری اجتماعی، بی‌ریشگی فرهنگی و اجتماعی، از خودبیگانگی فردی و اجتماعی و مقاومت‌های گوناگون فرهنگی، از جمله تبعات سیاست سنت‌ستیز پهلوی دوم در جامعه ایران بود. همه این موارد سبب مقاومت شدید طبقه سنتی جامعه در مقابل حکومت پهلوی شد<sup>۳</sup> و در نهایت، تحقیر فرهنگ بومی و ترویج شدید ابعاد ظاهری فرهنگ غربی، شکاف بین مردم و حکومت را افزایش داد.<sup>۴</sup>

در کنار این موضوع، سیاست آموزشی تحول‌خواه و غربی شاه نیز سبب ظهور و بروز طبقه متوسط جدیدی مشتمل بر بروکرات‌های تحصیل‌کرده، هنرمندان و نویسندگان در ایران شده بود که به دلیل پایه‌های نظری آموزش‌های خود، خواهان توسعه سیاسی و مشارکت در ساختارهای سیاسی و اقتصادی بودند، ولی به دلیل ماهیت تمرکزگرای قدرت سیاسی، این مطالبات طبقه متوسط جدید با مخالف جدی حکومت روبه‌رو

۱. رابرت گراهام، ایران، سراب قدرت، ترجمه فیروز فیروزنیا، تهران، سحاب کتاب، ۱۳۵۸، ص ۶۳-۶۲.

۲. ساموئل هانتینگتن، سامان سیاسی در جوامع دستخوش تحول، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات حیدری، ۱۳۷۰.

۳. حسین عظیمی، دین، فرهنگ و توسعه، کتاب توسعه، ش ۴، زمستان ۱۳۷۱، ص ۶۱ و ۲۵.

۴. محمدرحیم عیوضی، پیشین، ص ۱۶۶.



شد و رفته‌رفته روابط اجتماعی طبقات مختلف با سلطنت، ماهیت غیردموکراتیک‌تری پیدا کرد.<sup>۱</sup> هرچه سرعت برنامه‌های نوسازی شتاب بیشتری می‌گرفت، به همان اندازه، قدرت سیاسی چهره‌مستبدتری به خود می‌گرفت و با تشدید سیاست سرکوبگرانه، رژیم پایگاه طبقاتی و اجتماعی خود را در بین توده مردم از دست می‌داد.

## ۲-۳. نوسازی متکی بر بیگانگی و بیگانگی با ملت

در شهریور ۱۳۲۰ پهلوی دوم به کمک قدرت‌های خارجی به سلطنت رسید و خود را به نوعی وامدار آن‌ها می‌دانست. از این رو در نظر شاه ایران، کسب رضایت و پشتیبانی همه‌جانبه قدرت‌های خارجی نظیر آمریکا، کلید اصلی موفقیت سیاست داخلی و خارجی ایران بود. در واقع، برخلاف تصویری که رسانه‌های بیگانه القا می‌کنند، برنامه نوسازی شاه هرگز مستقل نبود. در روند برنامه نوسازی، شاه غلبه بر مسائل و چالش‌های مختلف سیاسی و اقتصادی را به پشتیبانی خارجی متصل کرده بود.<sup>۲</sup> غافل از اینکه غرب در ازای هر کمکی، امتیاز جدیدی از شاه مطالبه خواهد کرد. پیوند دیرینه شاه با قدرت‌های خارجی، دو اثر عمده داشت. از یک طرف سبب از دست دادن پایگاه اجتماعی شاه و سیاست‌های وی شد<sup>۳</sup> و از طرف دیگر، پشت گرمی ابرقدرت‌ها سبب تداوم رفتار اقتدارگرایانه محمدرضا شاه شد: «مادامی که آمریکایی‌ها از من حمایت می‌کنند، می‌توانیم هرچه می‌خواهیم بگوئیم و هرکاری که می‌خواهیم بکنیم و مرا نمی‌توان تکان داد.»<sup>۴</sup> از این رو هرچه به سال‌های پایانی سلطنت پهلوی دوم نزدیک می‌شویم، بیگانگی شاه با ملت خود فزونی می‌یابد؛ واقعیتی که کاملاً برخلاف تصاویر تبلیغات رسانه‌ای کنونی است.<sup>۵</sup>

تحلیل رسانه‌های فارسی‌زبان از نوسازی شاه کاملاً گزینشی و برپایه برخی

۱. همان، ص ۱۵۷.

۲. فرد هالیدی، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸، ص ۷۸.

۳. داود مهدوی‌زادگان، اگر شاه می‌بود، مجله پانزده خرداد، زمستان ۱۳۸۷، ش ۱۸، ص ۳۴.

۴. ماروین زونیس، شکست شاهانه، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو، ۱۳۷۰، ص ۳۰۵.

۵. مهدوی‌زادگان، پیشین، ص ۳۷.

واقعیت‌های آن دوره و درعین حال سکوت و یا حتی دروغ‌پردازی درباب برخی واقعیت‌های دیگر است. تحلیل دقیق و واقع‌بینانه سیاست نوسازی شاه نشان می‌دهد که این پروژه فرجامی جزء اتلاف سرمایه‌های مادی ملت ایران نداشته است. فروش حریصانه روزانه شش میلیون بشکه نفت، خرید تجهیزات پیشرفته نظامی به همراه کمک‌های مستشاری با هزینه‌های گزاف، بی‌برنامگی در خریدهای نظامی، توسعه بروکراسی پرهزینه دولتی، برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و... همه مواردی بودند که به‌عنوان محورهای اصلی برنامه نوسازی عملیاتی شدند. طبقات مختلف جامعه هم از رشد اقتصادی نصف‌ونیمه‌ای که اتفاق افتاده بود، بهره‌یکسانی نبردند و طبقات ثروتمند بیشتر از طبقات متوسط و پایین و همچنین مناطق مرکزی و به‌ویژه تهران بیشتر از نواحی پیرامونی بهره‌مند شدند.<sup>۱</sup>

جالب اینکه شاه بخشی از درآمدهای اقتصادی ملت را صرف تغذیه رسانه‌های داخلی و خارجی جهت سرپوش گذاشتن بر کاستی‌ها و بزرگ‌نمایی پیشرفت‌های اقتصادی خود می‌کرد. به قول پارسونز، «افسانه اتحاد سحرآمیز شاه و مردم در رسانه‌های خارجی، نتوانست حقیقت انزوای شاه را تحریف کند.»<sup>۲</sup> به همه این موارد می‌توان حاتم‌بخشی از خزانه ملت، و لخرجی جنون‌آمیز در تفریحات و تعطیلات شخصی، برپایی ضیافت‌های پرخرج شخصیت‌های سیاسی دنیا، طرح جزیره کیش با هدف ایجاد یک مرکز خوش‌گذرانی برای ثروتمندان داخلی و خارجی، اختلاس‌های اعضای خاندان سلطنتی و سایر مقامات دولتی و غارت اموال عمومی در پوشش مؤسسات خیریه را نیز اضافه نمود؛<sup>۳</sup> موضوعاتی که در نهایت مقدمات پیروزی انقلاب اسلامی را فراهم کرد.

مشکل آن زمانی دوچندان می‌شود که برخی از طیف‌های نخبگانی در داخل کشور دانسته یا ندانسته خط ذکرشده را دنبال می‌کنند و به یاری دشمنان انقلاب

۱. یرواند آبراهامیان، پیشین، ص ۵۵۱.

۲. آنتونی پارسونز، پیشین، ص ۵۰.

۳. فخر روحانی، اهرم‌ها: سقوط شاه و پیروزی انقلاب اسلامی، تهران، نشر بلیغ، ۱۳۷۰، ص ۲۴۵-۲۷۴.

اسلامی می‌روند. اگر نیروهای انقلابی و جریان حافظ انقلاب نتوانند در یک تقابل فکری روبه‌روی این اندیشه باطل بایستند، این طرز فکر درباره حکومت پهلوی و انقلاب اسلامی تبدیل به یک پارادایم می‌شود و بدین ترتیب باطل جای حق را می‌گیرد. از همین روست که بازخوانی تاریخ واقعی و به دور از تطهیرها و روتوش‌های رسانه‌ای رژیم پهلوی و ایادی و ارکان آن از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ امری که این مجموعه کتاب‌ها به آن پرداخته است.